نگاهی به حادثه عاشورا از منظر کتاب «انسان ۲۵۰ ساله»

حقیقت قیام امام حسین علیه‌السلام در جهاد ۲۵۰ ساله



سعیده تلان
پژوهشگر
و فعال حوزه کتاب

امام حسن علیه‌السلام، با پیمان آتش‌بس، مبارزه مخفی خود را علیه حکومت طاغوتی بنی‌امیه آغاز کرد. این‌گونه میدان مبارزه با معاویه تغییر کرد، پنهانی، حزب و تشکیلاتی از نیروهای مومن و صالح ایجاد کرد تا هر فرد از لحاظ فکر و عقیده تقویت شود برای روزی که بتوانند یک به یک در مقابل معاویه قدعلم کنند و تیری باشند به سینه دشمن. اینچنین شیعه را ساخت برای مبارزه حاد، تند و قاطع، برای صحنه کربلا.

سال ۵۰ هجری قمری

بعد از شهادت امام حسن علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام برای حفظ دین اسلام از راه‌های تبیین، تبلیغ، آگاه و هشیار ساختن خواص استفاده کرد. این اقدامات علاوه بر مصون ماندن اسلام از هرگزندی، چهره دشمن را برای مردم آشکار می‌ساخت. در آن دوران، سیلاب تحریف به سوی افکار جامعه اسلامی سرازیر بود و بزرگ‌ترین شخصیت اسلام در شهرهای اسلامی لعن می‌شد. امام حسین علیه‌السلام قصد داشت همان خط مشی برادرش را ادامه دهد؛ همچنان به پیمان آتش‌بس با معاویه پایبند ماند و از مردم معمولی، گلوله‌های داغ و سوزانی ساخت برای روزی که بتواند ضربه قاطعی بزند و آب از جوی رفته اسلام و قرآن را به جوی برگرداند. مروان حکم، استاندار مدینه، مایل بود در منطقه حکومتش، آسایش و آرامش برقرار باشد تا مشغول و سرگرم زندگی‌اش باشد، اما جاسوسش خبر آورده بود: «آن روزی که لبه تیز شمشیر حسین، مروان و قصر استانداری‌اش را فرا بگیرد، نزدیک است!» از همان روز دنیا به کامش تلخ شده بود، نامه‌ای از این دردسر عظیم به معاویه نوشت. بعد از این گزارش، معاویه، نامه‌ای نوشت به امام حسین علیه‌السلام تا هم خیال خودش آسوده شود و هم صحت سخنان مروان را بسنجد، این گمان وجود داشت که مروان و جاسوسش اشتباه کرده‌اند یا این تهدید را با تصورات‌شان بافته‌اند.

امام حسین علیه‌السلام در پاسخ نامه نوشت: «به تو خبر رسیده که می‌خواهم علیه تو قیام کنم، دروغ است. من این‌کار را نکرده‌ام، اما از این‌که قیام نکرده‌ام، از خداوند پوزش و آمرزش می‌طلبم».

خداحافظی با اسلام!

امام حسین علیه‌السلام با عبدا... بن زبیر در مسجد مدینه بودند. ولید بن عتبه، حاکم حجاز که در مدینه مستقر بود، هر دو را به دیداری، دعوت کرد. معاویه از دنیا رفته بود و ولید قصد داشت از آنها برای یزید بیعت بگیرد. احتمال درگیری در قصر ولید وجود داشت، لذا امام حسین علیه‌السلام عده‌ای از جوانان بنی‌هاشم را همراه خود برد تا در صورت رخ دادن هر پیشامدی، وارد قصر شوند و دخالت کنند. در قصر، مروان حکم که از کم و کیف کارهای امام علیه‌السلام به لطف جاسوس‌ها و نفوذی‌ها با خبر بود، حضور داشت. زمانی که درخواست بیعت مطرح شد، نظر امام علیه‌السلام به چنین درخواستی منفی بود، اما به‌صراحت عنوان نکرد و خواستار تعویق زمان بیعت شد. قصد خروج از قصر را داشت اما مروان اصرار داشت همان روز ولید بیعت را بگیرد، اطمینان داشت که اگر امام حسین علیه‌السلام از قصر بیرون رود، دیگر رنگ بیعت فرزند علی علیه‌السلام را نمی‌بینند. در چنین موقعیتی، امام علیه‌السلام اعلام کرد که هیچ‌کس نمی‌تواند به جبر و اکراه از او بیعت بگیرد و با گفتن عبارت «کسی مثل من با کسی مثل یزید، هرگز بیعت نخواهد کرد» قصر را ترک کرد.

نه به خلیفه فاسد و فاسق

اسلام با فرد دشمن نیست، بالقب و عنوان مبارزه نمی‌کند، بنی‌امیه باشد یا بنی‌عباس، یزید باشد یا شخص دیگری، چه تفاوتی دارد؟ برای تشیع، فکر، شکل و ساختار کار اهمیت دارد. آنچه که امام علیه‌السلام نمی‌توانست تحمل کند این بود که فرد فاسد و فاسقی، لباس خلیفه مسلمین را بر تن کند و بر جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تکیه زند. پیشوای امت، محور و قلب جامعه اسلامی نمی‌توانست اهل فسق، فجور، خیانت، فساد و دوری از خدا باشد. خلافت به سلطنت تبدیل شده بود، یزید نام خلیفه پیامبر را یدک می‌کشید، اما در عمل شبیه امپراتوران فارس و روم بود. نه این وضع قابل اغماض بود نه مدینه جای ماندن، امام علیه‌السلام تصمیم گرفت شبانه به سمت مکه حرکت کند. مبنای این حرکت و قیام، وارد کردن ضربه بر پایه‌های آن حکومت فاسد بود حتی اگر در مسیر تحقق این هدف، ولی خدا (علیه‌السلام) به شهادت برسد.

دعوت به کوفه

امام حسین علیه‌السلام در مکه بود. بزرگان کوفه در قالب نامه، او را به کوفه دعوت کردند. نامه‌ها پیام واحد داشت: «به کوفه بیا تا خدا به وسیله شما، ما را بر سر حق مجتمع کند و تفرقه ما را از بین ببرد». در حقیقت بزرگان کوفه، خواهان وحدتی بودند بر محور امام. جامعه‌ای اسلامی می‌خواستند بر محور امام.

عده دیگری هم مانند شَبَث بن ربعی و قیس بن اَشعث برای امام علیه‌السلام نامه فرستادند. در نامه‌هایشان از سرسبزی درختان کوفه و میوه‌هایش نوشته بودند، همان‌هایی که روز عاشورا در صف مقابل امام علیه‌السلام زیر پرچم عمر بن سعد ایستادند!

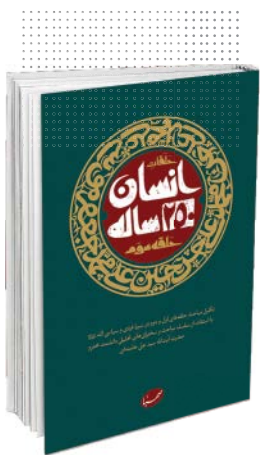
امام حسین علیه‌السلام دعوت بزرگان کوفه را اجابت کرد و با نامه‌ای مسلم بن عقیل علیه‌السلام را به کوفه فرستاد و خود نیز به همراه خانواده و یاران، مکه را ترک کرد. عده‌ای مخالف اقدام او بودند. بر اساس معادلات‌شان، شرایط برای تشکیل حکومت اسلامی مهیا نبود و باید به زمان دیگری موکول می‌شد. این افراد وضعیت زمان و تکلیف را تشخیص ندادند، وظیفه اصلی و محوری را در میان وظایفی که درجه اهمیت کمتری داشت، نشناختند، بنابراین ضمن منع امام از این کار، عذر و بهانه‌ها تراشیدند تا امام علیه‌السلام را در این مسیر همراهی نکنند.

اسلام با فرد دشمن نیست با لقب و عنوان مبارزه نمی‌کند بنی‌امیه باشد یا بنی‌عباس، یزید باشد یا شخص دیگری، چه تفاوتی دارد؟

اصلاح انقلابی

وصیت‌نامه‌ای که امام علیه‌السلام به محمد بن حنفیه، قبل از حرکت دادند، نشان می‌دهد که هدف و قصد امام از قیام علیه سلطنت اموی، نه انگیزه شخصی و روانی بود و نه متأثر از خواسته‌های نفسانی. حقیقت حرکت امام علیه‌السلام، اصلاح امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و بازگرداندن حاکمیت خدا در میان مردم بود. اصلاح اساسی و بنیادینی که تنها با هرس‌کردن نتیجه نمی‌داد و باید از بن و ریشه انجام می‌شد. ۵۰ سال پس از رحلت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، از جامعه‌ای که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ساخته بود، فقط ظاهری از اسلام باقی مانده بود با باطنی تهی از اسلام! دشمنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جانشین او و کفر، شرک، جاهلیت، اشرافی‌گری جایگزین ایمان، توحید، قرآن، انسانیت شده بودند به طوری که شیرازه اصول اسلامی از هم گسسته و اغلب وارونه به آنها عمل شده بود. چنین جامعه‌ای نیازمند انقلاب و اصلاح بنیادی فراگیر در پیکره‌اش بود تا به اصل خویش بازگردد.





معیار و ملاک حسینی

قیام امام حسین علیه‌السلام مطابق با بیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «در زمانی که یک قدرتی، یک سلطانی در جامعه وجود دارد که حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کرده و عهد و پیمان الهی را شکسته است و با بندگان خدا با ظلم و جور و دشمنی و کینه‌ورزی رفتار می‌کند، هر کسی چنین قدرتی را ببیند و علیه او و وضعیت جامعه به زبان یا عمل اقدامی نکند، بر خدای متعال فرض است که فرد بی‌تفاوت را مانند حاکم جائر به عذاب مبتلا کند». گویی بی‌تفاوت‌ها، خودشان را احتکار می‌کنند و نیرویی را که باید در راه خدا مصرف کنند، از دسترس قدرت الهی دور نگه می‌دارند. این رفتار و عملکرد، خود، مهر تاییدی بر عمل حاکم جائر است؛ بنابراین برخورد الهی با این گروه، تفاوتی با آن حاکم ندارد. امام حسین علیه‌السلام در یکی از منازل، نرسیده به کربلا، خطبه‌ای با ذکر وضعیت زمان خود و حکم کلی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان می‌کنند تا علاوه بر حاضران، تمام انسان‌هایی که در دوران‌های مختلف، خطبه او را می‌خوانند، علت قیام او را بشناسند و از سوی دیگر، به همه تعلیم می‌دهد که در صورت وضعیت مشابه باید مانند او عمل کنند قبل از آن‌که بی‌تفاوتی گریبان‌شان را بگیرد و به دام حاکم جائر بیفتند! به دیگر بیان، امام حسین علیه‌السلام نشان داد زمانی که قطار جامعه اسلامی از ریل خارج شود، قدم در مسیر او، مسلمانان را به هدف خواهد رساند.

سازمان آگهی‌ها روزنامه جام‌جم
۲۹۱۰۵۰۰۰
روزنامه فرهنگی اجتماعی صبح ایران
جام‌جم

مفقودی (نوبت دوم)
بدینوسیله به اطلاع می‌رساند قرارداد شماره ۹۰۵۳ بابت واگذاری آپارتمان در شهرک کوثر آتی‌ساز و برگه انتقال آن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند و برگ سبز تراکتور ۲۸۵ تک دیفرانسیل به رنگ قرمز و مدل ۱۳۹۱ شماره موتور LFW02033Y و شماره شاسی M01666 به‌مالکیت دهیاری چیرم‌آباد مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند و برگ سبز خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ۳۸ط۸۱۶ ایران۶۵ به شماره موتور 11486011695 و شماره شاسی 31618038 به‌نام حسین پوررشیدی با کد ملی ۳۰۹۱۰۲۸۳۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت خودرو سواری ریو ال اس۱۵۰۰ مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید روغنی‌شماره انتظامی ایران ۴۳ - ۸۹۶ ص ۵۳ شماره موتور 1065631 شماره شاسی NAS61002291167349 به مالکیت علی کاظمی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

دفترچه قرارداد و برگ انتقال به شماره ۱۰۶۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۸ مربوط به واحد مسکونی برج موج واقع در شهرک نمک آبرود، بلوک موج، طبقه ششم واحد ۱۰۶۱ متعلق به اینجانب رویا روانپاک و پریسا روانپاک هر دو فرزند ابوالقاسم به شماره ملی ۰۰۴۰۸۵۴۶۷۱ و ۰۰۳۱۱۶۲۰۴۵ با آرم و نشان شرکت آتی‌ساز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

دفترچه تمدید پروانه وکالت به شماره پروانه ۱۰۰۱۷ پایه یک با تاریخ صدور جدید ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ متعلق به بابک امیری فرزند محمد با کد ملی ۲۳۹۱۶۶۵۷۴۱ حوزه شهر کرج (مرکز وکلای قوه قضاییه البرز) مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.